

ملاک‌شناسی مقربان

در آثار تفسیری و فلسفی صدرالمتألهین

فاطمه صادق‌زاده قمصری^(۱)

صدرالمتألهین دربارهٔ برخی پرسشها و مباحث مربوط به مقربان، گاهی مبهم است و گاهی دربارهٔ آن سکوت اختیار کرده است. نوشتار حاضر با رویکردی انتقادی به تحلیل دیدگاههای ملاصدرا در اینباره پرداخته است.

کلیدواژگان: مقربان، اصحاب یمین، ابرار، متوسطان، عالم بیعمل، جاهل مقدس، کمال علمی، عدالت اخلاقی، ملاصدرا.

مقدمه

واژه «قرب» بمعنای نزدیکی و اعم از قرب مادی و معنوی است و هر دو معنا بارها در آیات قرآنی بکار رفته است. در آیاتی مانند «فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَمِهِمْ هَذَا»^۱ (توبه/ ۲۸) مراد قرب مکانی و قرب زمانی است. نزدیکی بنده نسبت به خدا، قربی معنوی است که بازودن صفات رذیله، تسلیم صرف، فنای کامل و عبودیت کامل حاصل میشود و قرب خدا به بندگان که در آیاتی چون «وَ إِذْ سَأَلْنَاكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»^۲ (بقره/ ۱۸۶) به آن اشاره شده، بمعنای احاطهٔ نوری و علمی او بر

چکیده
قرآن کریم برای گروهی از اهل ایمان، بنام مقربان، جایگاه بسیار ویژه‌یی قائل شده و جنات و پادشاهای اخروی آنها با نعمتهایی که به گروه مؤمنان صالح و متوسط اختصاص دارد، متفاوت است. پژوهش دربارهٔ اینکه مقربان چه ویژگیهایی دارند که آنان را از سایر اهل ایمان و دیگر سعادت‌مندان – بویژه اصحاب میمنت و ابرار – متمایز میسازد، لازم و ضروری است. خصایلی چون معرفت و کمالات علمی، اعمال صالح و عبادات، تقوا و ارزشهای اخلاقی، خدمات اجتماعی و خیرخواهانه در شخصیت مقربان قابل مشاهده است. مطابق مبانی صدرایی، انسان با ادراک حقایق و عدالت اخلاقی، از حیث قوای نظری و عملی به کمال میرسد و در نتیجهٔ این کمال، به لذات حقیقی و انسانی دست می‌یابد. ملاصدرا برای شناسایی مقربان از سایر مؤمنان، به ملاکهای مختلفی اشاره کرده است؛ از جمله: کمال از حیث علمی و نزاهت اخلاقی، شهود ملکوت و عظمت خدا، استغراق در محبت الهی و برخورداری از عرفان و زهد حقیقی. در عین حال، دیدگاه

* تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱ تاریخ تأیید: ۹۹/۲/۹

(۱). دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)؛ sadeqzadeh@isu.ac.ir

آنهاست (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۲۸/۹ - ۲۲۷).

برخی از محققان بر اساس الگوی تحلیل معناشناختی، واژه قرب را در حوزه معنایی ارتباط بنده با خدا، بعنوان واژه‌ی اصلی تلقی کرده و معنای اصطلاحی آن را با «شدت یافتن وجود انسان»، «نزدیک شدن به وجود لایتناهی حضرت حق»، «اتصاف به صفات ربوبی» یا «درک و شهود عین الربط به خداوند بودن» معادل گرفته‌اند و به برخی از راههای تحقق آن اشاره کرده‌اند (علی‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۳۳ - ۱۲۶ و ۱۲۰ - ۱۱۹). این معنا بعنوان کمالی وجودی، مفهومی عام و تشکیکی است و از نازلترین تا والاترین مرتبه قرب الی الله را شامل میشود. در این نوشتار، مقربان بمعنای اصطلاح خاص قرآنی مدنظر است نه معنای عامی که برای هر یک از اهل ایمان از راههای گوناگونی مانند خدا اندیشی، یاد خدا، توسل، کارهای نیک و انجام عبادات کمابیش قابل تحصیل است.^۳

خداوند در سوره واقعه انسانها را به سه گروه اصحاب میمنت، اصحاب مشئمت و سابقون تقسیم کرده است. در میان این گروهها، عنوان سابقون یا مقربان موقعیتی ویژه دارند. این گروه به همراه اصحاب میمنت اهل سعادت هستند و در زندگی اخروی خود از نعمتهای مختلف برخوردار خواهند بود. قرآن کریم مؤمنانی را که از حیث ایمان و کمالات ایمانی در سطوح مختلفی قرار دارند، با عنوان خاص میستاید و انواع بهشت و نعمتهای متنوعی را که برای آنها فراهم شده، توصیف میکند.^۴ برخی از نعمتهای بهشت به مقربان اختصاص دارد. مفسران اغلب مقربان را بعنوان کسانی که در والاترین مرتبه قرب الهی هستند و در قیامت، از

نعمتهای ویژه بهره‌مند خواهند بود، معرفی میکنند.

با توجه به اوصافی که خدا در قرآن برای گروه سابقون یا مقربان برشمرده، میتوان گفت قطعاً این گروه در بالاترین مرتبه از کمال و قرب قرار دارند. با این حال، پرسش دیگری مطرح است: اینها نسبت به دو گروه دیگر دارای چه ویژگیها و امتیازاتی هستند؟ کدام ویژگی، ایشان را از سایر اهل ایمان و دیگر سعادت‌مندان، بویژه اصحاب میمنت و ابرار متمایز میسازد؟ آیا علم و معرفت آنها بیش از دیگران است یا اعمال و عباداتشان؟ کدام نوع از کمالات، آنها را تا این اندازه به خدای متعال نزدیک ساخته است؛ کمالات علمی یا اخلاقی؟ یا زهد، تقوا و کمالات عبادی؟ یا خدمات اجتماعی و خیرخواهانه؟ یا مجموع این فضایل آنها را به این منزلت رسانده است؟ صاحب تفسیر المیزان در اینباره فقط اشاره میکند که مقربان بلندمرتبه‌ترین اهل سعادت هستند و این مرتبه فقط با عبودیت و رسیدن به حد کمال آن حاصل میشود و کمال عبودیت هم در اینست که عبد تابع محض باشد و اراده و عملش را تابع اراده مولایش کند و هیچ چیزی نخواهد و هیچ عملی انجام ندهد مگر بر وفق اراده مولای خود و این همان داخل شدن تحت ولایت خداست (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۰۸/۱۹ - ۲۰۷). اما صرفاً با چنین توضیحاتی نمیتوان به ملاکی برای مقربان دست یافت.

مفسران قرآن کریم هنگام بحث از ابرار و اصحاب یمین و شمال کمابیش به موضوع مقربان اشاره کرده‌اند. منابعی که در مورد گروههای مردم از حیث سعادت و کمال سخن گفته‌اند، معمولاً با استنباط از متون دینی مانند قرآن و روایات، به بیان کلیاتی

درباره این طبقات پرداخته‌اند و حداکثر با بحث انواع بهشت و لذات و نعمتهای مختلفی که خداوند برای سطوح مختلف اهل ایمان مهیا کرده است، به تفاوت عاقبت و فرجام بهشتیان اشاره کرده‌اند (علی‌خانی، ۱۳۹۱؛ بهشتی، ۱۳۷۳؛ اندیشه و همکاران، ۱۳۹۷). در مقاله‌ی بارویکردی قرآنی به موضوع سعادت قصوی در آثار ملاصدرا پرداخته شده است (ایزدی، ۱۳۹۶). «ابرار و سوره‌انسان با توجه به روایات» نیز در مقاله‌ی دیگری مورد بحث قرار گرفته است (اسماعیلی‌زاده و نساج، ۱۳۹۰). بحث ملاک و معیار مقربان با وجود اهمیتی که دارد، از سوی اندیشمندان و اهل نظر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ملاصدرا در آثار خود ضمن اشاره به تفاوت جایگاه ویژه مقربان، به بیان ویژگیهای آنها می‌پردازد. وی معرفت در این دنیا را بذر مشاهده در آخرت و لذت کامل را متوقف بر مشاهده دانسته است. از نظر او سعادت مراتبی دارد. کسی که با علم حقیقی به کمال رسیده، به لذات عقلی و سعادت حقیقی نایل می‌شود. در مقابل، فردی که از علوم بهره‌ی ندارد اما از رذائل اخلاقی پاک است و به امور خیالی اهتمام دارد، جنتی از محسوسات برایش متمثل می‌شود. از نظر ملاصدرا، متوسطان و صالحان در چنین بهشتی قرار دارند. این بهشت با جنتی که به مقربان کامل، عارفان و عالمان اختصاص دارد، متفاوت است (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۲۹۸). او در أسفار اربعه بیان می‌کند که برخی از اهل بهشت در میان فرشتگان مقرب، متنعم به تسبیح و تقدیس خدا هستند و برخی دیگر با انواع نعمتها و لذات حسی پاداش داده می‌شوند (همو، ۱۳۸۲: ۹ / ۳۱۹ - ۳۲۰).

ملاصدرا با اشاره به آیه «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ»^۵ (الرحمن / ۴۶) جنت را دارای دو مرتبه می‌داند: جنت معقول که مقربان و علیون در آنجا متنعم هستند و جنت محسوس که جایگاه اصحاب یمین است (همان: ۳۲۱ - ۳۲۲). او در کتاب مفاتیح الغیب حشر مقربان و اصحاب یمین را متفاوت دانسته است. مقربان در عالم اعلای عقلانی با نعمتهای معرفتی استقرار می‌یابند و اصحاب یمین در بهشتهای اعمال جای می‌گیرند و برحسب اعمالشان هر آنچه بخواهند از نعمتهای بهشتی بهره‌مند می‌شوند (همو، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۰۲۲). ملاصدرا در جایی دیگر از آثارش جایگاه مقربان و مؤمنان متوسط را متفاوت دانسته و درجات مختلف بهشت را با نامهای خاص و معناداری معرفی می‌کند: «جنت اعمال» مخصوص گروهی از اهل ایمان است که اعمال صالح دارند؛ «جنت صفات» برای صاحبان ملکات و صفات نیکوست و سرانجام «جنت ذات» به مؤمنانی که به مقام فناء فی الله و لقاء الهی بار یافته‌اند، اختصاص دارد (همو، ۱۳۸۹ الف: ۵۷ - ۵۱).

صدر المتألهین بر اساس مبانی نظری خود در حکمت متعالیه و نگاه ویژه به انسان، کمال او را مربوط به عقل نظری و عملی می‌داند و البته در این میان، تلویحاً کمالات علمی را بر سایر کمالات ترجیح می‌دهد. از نظر او کمالات و ویژگیهای گروه مقربان و متوسطان از دو سنخ متفاوت است.

اهمیت کار ملاصدرا از آنروست که وی در آثار مختلف خود، تنها به تعریف شرح اللفظی مقربان و بیان موقعیت و برتری مقام ایشان اکتفا نکرده و سعی دارد شاخص دقیقی برای تعیین مصادیق مقربان ارائه دهد. این مقاله میکوشد با تحلیل و

واکاوی دیدگاههای ملاصدرا درباره سطوح مختلف ایمان، نظر او را در مورد ملاک پیشتازان و امتیاز آنها نسبت به سایر مؤمنان توصیف کند. برای تبیین این مطلب و درک درجات اهل ایمان و بویژه ملاک این رتبه بندیها، باید ابتدا انواع کمالاتی که دستیابی به آنها برای انسان امکانپذیر است، بررسی شده و سپس نوع کمالات مقربان تعیین گردد.

نظریه خاص ملاصدرا در اینباب، در مواردی مبهم و در برخی موارد نیز ساکت است. این مقاله صرفاً به تحلیل و بررسی دیدگاههای صدرالمتألهین درباره ملاک مقربان پرداخته و بهمین دلیل درباره ابهامات موجود در این نظریه و مباحثی که او در آثار خود به آنها پرداخته، گاه به اشاراتی بسنده میکند. این قبیل مباحث میتواند در پژوهشی مستقل مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

این پژوهش، با شیوه توصیفی - تحلیلی و با کاربست روشهای اجتهادی و استنباطی در آثار تفسیری و فلسفی ملاصدرا بر آنست که از لابلای عبارات گوناگون و توضیحات او در توصیف مقربان، ملاکی برای بازشناخت آنها از سایر گروههای ایمانی استنباط کند، سپس تمامیت و کارآمدی این ملاک را بررسی نماید.

کمالات انسان در دو بخش نظر و عمل

ملاصدرا بر اساس مقدماتی که با نظام فکری و فلسفی او کاملاً مناسبت دارد، به تشریح وضعیت مقربان پرداخته است. دیدگاههای فلسفی او در تفسیر وجود عالم، بویژه حقیقت انسان در این نظریه پردازی نقش اساسی دارد. وی پیش از شرح موقعیت ویژه مقربان و ملاک این گروه، به مهمترین

مبانی انسان شناختی خود تصریح کرده و معتقد است کمالاتی که انسانها از طریق قوای نظری و عملی خود میتوانند به آنها دست یابند و از همین طریق به لذات حقیقی نایل شوند، دو گونه متفاوت است:

(۱) ادراک حقایق و فهم معارف الهی (کمالات علمی)

(۲) انجام کارهای نیک (کمالات عملی)

ملاصدرا آدمی را دارای سه قوه عقل، خیال و حس میداند و برای هر یک از این قوا مبدء ادراکی و کمالاتی ویژه قائل است. انسان با قوه عاقله خود از طریق ادراک معارف الهی و علوم ربانی به کمال میرسد و به مجاورت خدا و ملکوت بار می یابد. کمال قوه خیال انجام کارهای نیک و صفات مهذب و تبدیل سیئات به حسنات است و کمال قوه حس ادراک امور ملائم حسی و لذتهای جسمانی است. نخستین کمالاتی که برای انسان حاصل میشود کمالات مربوط به قوای حسی است. پس از عبور از این مرحله، نوبت به فعالیت در حوزه عقل عملی و قوه خیال میرسد. در این مرحله، انسان با انجام خیرات و اطاعت از فرامین الهی و ترک امور زشت و منہیات مسیر کمال را طی میکند، سپس از حیث قوه نظری به کمال میرسد و از طریق احاطه به کلیات و اتصال به مفارقات و حقایق عالم هستی و شناخت عقلی و برهانی نسبت به مبادی و غایات به منزلتی مشابه موجودات مقدس دست می یابد (همو، ۱۳۸۹: ۲۱ - ۲۰). از این عبارات بخوبی پیداست که ملاصدرا فضیلت افراد را مربوط به قوه نظری آنها میداند و اعمال عبادی و حکمت آمیز عملی را مقدمه کمال نظری بشمار می آورد. از دیدگاه او انسان با فهم معارف الهی و تکمیل قوه

نظری به کمال میرسد.

ملاصدرا کمالات انسانی را در دو دسته متفاوت قرار داده اما نباید پنداشت که از نظر او کمالات عقلی و عملی به یک اندازه ارزشمند هستند.

این مطلب از برخی دیگر از عبارات صدرالمتألهین نیز استنباط میشود. او معتقد است ایمان و همه مقامات دینی با وجود سه امر (معارف، احوال و اعمال) سامان می یابد. مؤمن در حالیکه نسبت به خدا و صفات و افعال او و کتابهای آسمانی و پیامبران و روز آخرت عالم است، باید از آلودگیهای نفسانی و اهداف مادی مانند غضب، کبر و خودپسندی و جاه طلبی منزه باشد و اعمالی چون نماز، روزه و طواف و جهاد را انجام دهد؛ فرامین الهی را اجرا و منهیات را ترک کند. اما میان این سه امر چه ارتباطی است؟ کدامیک مقصود نهایی است؟ ملاصدرا در اینباره دو نظر متفاوت را بیان کرده است: کسانی که نگاه و فهمشان محدود به ادراک عالم ماده است، میپندارند مقصود از علم آموزی، تحصیل ملکات اخلاقی است و هدف از داشتن فضایل اخلاقی، انجام عبادات است. از نظر این گروه اعمال و کردارهای انسان اصل است و نسبت به اعتقادات درست و اخلاق نیک برتری دارد. در مقابل این گروه، صاحبان بصیرت که نور معرفت را از مشکات نبوی گرفته اند و نه از راه گوش سپردن به قیل و قال این و آن، معتقدند منظور از انجام کارهای نیک و عبادی، کسب احوال خوب است و این احوال نیز برای بدست آوردن علوم و معارف سودمند است. صفحه نفس همچون آینه‌یی است که اعمال خوب آن را صیقل میدهد و احوال و اخلاق نیک موجب پاکی و زینت آن میشوند. پس از آنکه صفحه نفس قابلیت لازم را بدست آورد، علوم و معارف در این صفحه صیقلی میتابند (همو، ۱۳۸۹: ۸۶ - ۸۳).

ملاک مقربان در آثار تفسیری و فلسفی ملاصدرا
ملاصدرا در آثار مختلف خود پس از آنکه کمال انسان را بر حسب قوای نفس، بترتیب فهم حقایق جهان هستی (کمالات علمی) و انجام کارهای نیکو (کمالات عملی و اخلاقی) تعیین میکند، ضمن اشاره به گوناگونی انسانها از جهت این دو نوع کمال، به شرح موقعیت و ویژگیهای مقربان میپردازد. با بررسی و تحلیل این مباحث میتوان گفت از نظر او، مقربان با چند شاخص و ویژگی از سایر اهل ایمان برتری می یابند. در میان این شاخصها، برخی بسیار پرتکرار و مورد تأکید ملاصدرا هستند. پس از گزارش تحلیلی این دیدگاهها سعی میشود ملاک و شاخص اصلی مقربان از نگاه او را بدست آوریم.

۱. ادراک حقایق و عدالت اخلاقی

ملاصدرا در برخی از آثارش، مقربان را دارای دو ویژگی فهم معارف الهی و عدالت میداند و این مطلب در آثارش با تعبیرها و توضیحات مختلفی مطرح شده است. او گاهی نوع کمالاتی که مقربان تحصیل کرده اند را مورد نظر قرار میدهد، گاهی آنها را با اصحاب یمین مقایسه میکند و علم و عدالت را شاخصه مقربان میداند:

۱-۱. اوصاف مقربان از حیث کمالات علمی و اخلاقی

ملاصدرا در شرح الهدایة الاثریة^۶ ابتدا با بیان

این عبارات بخوبی نشان میدهد که گرچه

ارتباط نفس و بدن اثبات میکند نفس بعنوان جوهری مفارق، پس از مرگ و فساد بدن باقی است. لذت و خوشی موجب سعادت و متقابلاً درد و رنج سبب بدبختی است. او در ادامه، سعادت و شقاوت حقیقی را که به نفس انسان اختصاص دارد، شرح میدهد. وی برای بیان مفهوم سعادت و شقاوت، ابتدا لذت را به ادراک امر ملائم برای نفس ناطقه و در برابر آن، رنج را به ادراک امر ناملائم با نفس معنا میکند. بر این اساس، او برای هر دو حیثیت قوه نظری و عملی، لذاتی حقیقی معرفی میکند.

الف) از حیث قوه نظری، لذت نفس، ادراک عقلی حق و وجوب وجود او از همه جهات، فیاض مطلق بودن او، عقول مجرد، نفوس فلکی، اجرام آسمانی و عنصری است. در این حالت، صورت و حقیقت موجودات به همان ترتیبی که در عالم واقع قرار دارند، در نفس مرتسم میشوند. چنین فردی عالمی عقلی، مشابه همه عالم خارجی است (همو، ۱۳۹۳: ۲ / ۳۳۸ - ۳۳۶).

ب) از لحاظ قوه عملی، نفس با تسلط بر سایر قوای بدنی به سعادت میرسد. نفس انسانی مادامیکه با بدن همراهی دارد (در حیات دنیایی) باید به اندازه نیاز، قوای بدنی را بکار بندد و هنگام استفاده از بدن، طریق میانه را پیش گیرد. انسان در این حالت، دارای سه صفت است: در مورد قوای شهوانی دارای ملکه عفت (حد وسط فجور و خمود) میشود و از حیث قوه غضب، واجد ملکه شجاعت (میان دو صفت تهور و ترس) است و در زندگی شخصی و ارتباط با خود، خانواده و شهروندان دیگری بر اساس حکمت در معیشت و حسن تدبیر رفتار میکند^۲. این حکمت در برابر جریزه (زرنگی) و بلاهت، بمعنای رعایت میانه

در تدبیر خود و دیگران است. انسان با ترکیب و اجتماع ملکات عفت، شجاعت و حکمت به عدالت اخلاقی میرسد (همان: ۳۳۹ - ۳۳۸)

بر این اساس، لذات حقیقی و انسانی، منوط به وجود کمالات علمی و عملی یعنی ادراک حقایق و عدالت اخلاقی است. از نظر ملاصدرا انسان در حال حیات دنیوی خود به علت موانع ادراکی و تعلقات بدنی و علایق مادی و جسمانی تنها سطحی از این لذات را دریافت میکند و پس از مرگ به بالاترین درجات این لذات دست می‌یابد (همان: ۳۴۲ - ۳۳۹). بخوبی پیداست نوع این لذات بالذات حسی و حیوانی کاملاً متفاوت است و در سطحی بالاتر از آنها قرار میگیرد.

ملاصدرا پس از شرح لذات حقیقی، به بیان دردها و آلام عقلی میپردازد. از حیث قوه نظری، الم عقلی فقدان کمالات عقلی و عدم ادراک معقولات و داشتن اعتقادات باطل و موهوم است؛ از لحاظ قوه عملی، درد اطاعت و تسلیم نسبت به قوای حسی و حیوانی و داشتن اخلاق ناپسند است. انسان تا در قید این حیات دنیایی است اینگونه آلام را درک نمیکند، زیرا نفس در دنیا مشغول تدبیر بدن و غرق تاریکیهای طبیعت است، به همین دلیل علایق و کمالات معنوی و محبوب حقیقی خود را فراموش کرده است. اینگونه رنجها را کسانی میتوانند درک کنند که ادراک حقایق عالم را کمال نفس میدانند و به کمالات حقیقی اشتیاق دارند. افرادی که در دنیا گرفتار جهل مرکب و اطاعت از امیال و شهوات هستند پس از مرگ با توجه به نقایص وجودی خود، دردی واقعی و جانکاه را احساس میکنند (همان: ۳۴۴ - ۳۴۳).

با این توضیحات، ملاصدرا همچون اُثیرالدین ابهری انسانها را از حیث سعادت و شقاوت در شش گروه زیر قرار می‌دهد:

(۱) کسانی که با داشتن اعتقادات درست و مستدل از لحاظ نظری کاملند و از علایق نفسانی و مادی منزّه هستند. چنین افرادی به عالم قدس متصلند و در ردیف فرشتگان مقرب در محضر پروردگار عالم قرار می‌گیرند و از لذت لقا و سایر لذات عقلی بهره‌مند میشوند.

(۲) افرادی که عقاید درستی دارند ولی از وابستگی‌های مادی پاک نیستند و به لذات و شهوات حسی تمایل دارند. آنها بسبب وجود این احوال از رسیدن به سعادت محروم هستند به همین دلیل بشدت رنج می‌برند. حالت عذاب و درد اینها همیشگی نیست و پس از مدتی دیر یا زود پایان میرسد و پس از برطرف شدن آن احوال، میتوانند از لذت آن معارفی که در اختیار دارند بهره‌مند شوند و در صف مقربان قرار گیرند. از توضیح پایانی ملاصدرا پیداست که وی گروه نخست را بعنوان مقربان بشمار می‌آورد و کسانی را که با وجود اعتقادات درست، از حیث اخلاقی منزّه نیستند متصل به آنها میدانند.

(۳) کسانی که میدانستند تحصیل معارف و علوم زینده انسان است و نسبت به این علوم اشتیاق هم داشته‌اند اما بدلیل اشتغال به امور دنیایی و وابستگی به امیال پست، از تحصیل این علوم بازمانده‌اند. آنها پس از مرگ آن شوق ذاتی بسوی کمال را احساس میکنند و خود را فاقد آن کمالات می‌بینند و به همین دلیل بشدت رنجور میشوند.

(۴) افرادی که علاوه بر ناآگاهی نسبت به حقایق، دارای ملکات نفسانی ناشایست و رذائل

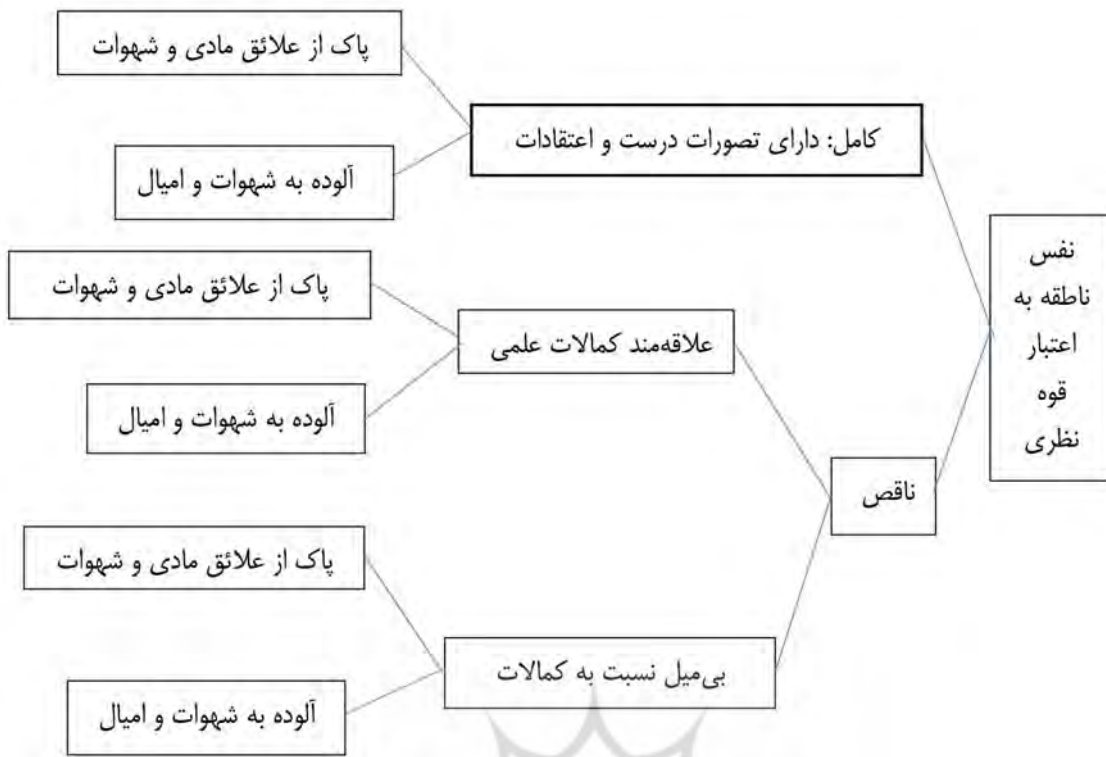
بوده‌اند. در میان این گروه، برخیها در راه تحصیل کمالات علمی و انسانی تنبلی کرده‌اند و برخی دیگر معاند و منکر حق هستند و نسبت به عقاید باطل خود تعصب دارند (همو، ۱۳۷۸: ۵۸). از نظر ملاصدرا وضعیت معاندان نسبت به افراد تنبل و کسل بدتر و وخیمتر است.

ملاصدرا همچون ابهری معتقد است کسانی که نسبت به کمالات علمی اشتیاقی ندارند دو دسته‌اند:

(۵) آنهایی که دارای حالات ناشایست نیستند و از نظر اخلاقی پاکند. ملاصدرا معتقد است این گروه نه لذتی از ناحیه کمالات علمی و اخلاقی حقیقی می‌برند و نه دردی نادانی خود نسبت به حقایق احساس میکنند و از داشتن رذائل اخلاقی نیز معذب نیستند. از اینرو آنها لذت و الم ندارند. در حقیقت، این گروه که دارای احوال منافی رحمت نیستند، مشمول رحمت واسعة الهی میشوند و از این حیث لذتی ضعیف خواهند داشت.

(۶) کسانی که دارای احوال پست و رذائل اخلاقی هستند. از نظر ملاصدرا این افراد در غصه و عذابی دردناک خواهند بود. او فاسقان و اهل فجور را در این دسته قرار می‌دهد. گرچه این افراد اعتقادات درستی ندارند اما چون در صف منکران حق هم قرار نمی‌گیرند، گرفتار عذاب دائمی نخواهند بود و پس از زوال آن رذائل و اخلاقیات ناپسند، عذابشان اندک اندک مرتفع میشود (همان: ۵۹؛ همو، ۱۳۹۳: ۳۵۱/۲ - ۳۴۵).

بر اساس عبارات ابهری در هدایه و توضیحات ملاصدرا، انسانها مطابق نمودار زیر دارای موقعیتهای کاملاً متفاوتی هستند:



نمودار شماره ۱؛ اصناف مردم بر اساس دیدگاه اثیرالدین ابهری و ملاصدرا

گفته شده: اکثر اهل بهشت، افراد ساده‌دل (ساده‌دلان) هستند^۹ (همان: ۵۸ - ۵۷).

ملاصدرا پس از بیان وضعیت نفوس ساده و عوام، کسانی که تنها از حیث عملی کاملند یا از جهت علمی و عملی در حد میانه‌ی هستند بعنوان نفوس متوسط مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر او افرادی مانند زاهدان و عابدان که تنها کمالات عملی دارند، اصحاب یمین هستند. ملاصدرا سعادت اینها را در مرتبه‌ی پایینتر از سعادت عالمانی با ملکات شریف یا همان پیشتاژان و مقربان میدانند. متوسطان به اندازه‌ی درکی که از علوم حقیقی دارند از لذتی آمیخته با شائبه‌ی بی‌ از لذات مقربان بهره‌مند میشوند. چنانچه شراب ابرار مطابق آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مطففین، ممزوجی از چشمه‌ی بی است که مقربان و اهل مشاهده حق از خالص آن چشمه مینوشند. علاوه بر آنها، کسانی که از حیث علمی و عملی متوسط هستند، مقامات اخرویشان بر حسب علم و عملشان است. چه بسا به حسب لغزشهایی که داشته‌اند در برخی مواقف متوقف شوند و پس از مدتی حسابرسی و سؤال سرانجام به سعادت

ملاصدرا در رساله اجوبة المسائل العویصة نیز مقربان عالی‌مقام را کسانی میدانند که از حیث علمی و عملی کاملند، به عوالم برتر عروج کرده‌اند و از همه امور مادی و لوازم آن پاکند. آنها از خود فانی و به حق تعالی باقی هستند و تنها به حق توجه دارند، از اینرو مقامشان از فرشتگان و نفوس فلکی بالاتر است (همو، ۱۳۷۸: ۴۸).

ملاصدرا در همین اثر بتفصیل وضعیت چند گروه دیگر را توضیح می‌دهد. او درباره نفوس ساده‌ی که دارای هیچ صورت عقلی نیستند و بدین خاطر امکان رسیدن به مرحله تجرد عقلی را ندارند، ابتدا نظر حکیمانی چون اسکندر افرو دیسی، تامسطیوس و ابن سینا را مطرح میکند و پس از نقد مبانی آنها اظهار میکند چنین افرادی گرچه از لذات عقلی ناشی از ادراک حقایق و معقولات نظری محرومند، به سعادت و لذتی مناسب وضع خود میرسند (همان: ۵۷ - ۵۶). علاوه بر این گروه، عوام که برای اکتساب علوم شوق و کوششی نداشته‌اند و از نظر عملی و اخلاقی پاکند^{۱۰}، به سعادت متناسب با قوای خود نایل میشوند. از اینرو

برسند (همان: ۶۰). ملاصدرا در این موضع، مقربان را بعنوان گروهی از عالمان که از ملکات اخلاقی بهره‌مند هستند تصویر کرده است.

۱-۲. سیمای مقربان در مقایسه با اصحاب یمین

ملاصدرا در مواردی در پرتو مقایسه مقربان با دو گروه اصحاب یمین و اصحاب شمال، به ملاک مقربان می‌رسد. او در شرح الهدیه پس از شرح عبارات اثیر الدین بهری در مورد اقسام احوالات مردم، تقسیم دیگری ارائه داده و معتقد است طبقه بندی خودش چون برخی از اسرار قرآنی را در بردارد، نسبت به تقسیم بهری در متن هدایه، از فهم آسانتری برخوردار است. وی ابتدا با اشاره به آیات ۷ تا ۱۱ سوره واقعه «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * وَوَلِكِ الْمَقْرُونُونَ»^{۱۰} می‌گوید انسانها بر حسب فرجامی که دارند در هفت گروه قرار می‌گیرند: دو گروه از اشقیاء یا اصحاب شمال، سه گروه از اصحاب یمین یا سعادتمندان، و دو گروه پایانی از پیشستانان و مقربان بشمار می‌آیند (همو، ۲: ۱۳۹۳/۳۵۱).

او در بیان نظریه قرآنی^{۱۱} خود، ابتدا دو گروه را بعنوان اصحاب شمال معرفی می‌کند: گروه اول، افراد مطرودی که اهل ظلمت و گرفتار حجاب کاملند و قلبشان از ازل مهر خورده است. گروه دوم منافقانی هستند که به حسب فطرت مستعد بوده‌اند و در اصل وجودشان قابلیت نورانی شدن را داشته‌اند ولی قلبشان بدلیل آلودگیهای ناشی از رذائل و ارتکاب معاصی و همراهی با امور شهوانی و غضبانی دچار حجاب شده و ملکات ظلمانی در نفوسشان رسوخ کرده است. این گروه با شک و تردید در گمراهی هستند و همه اعمالشان حبط است. از نظر ملاصدرا که جهل مرکب و راسخ را یکی از موجبات هلاکت ابدی میدانند و تنها شقاوتی را که ناشی از جهل بسیط و اخلاق ناپسند غیر راسخ باشد، قابل جبران می‌شود؛ منکران حق از جمله اصحاب شمال و گرفتار هلاکت ابدی هستند (همان: ۳۵۳ - ۳۵۱).

او پس از بیان موقعیت افراد مطرود و منافق بعنوان اصحاب شمال، به شرح وضعیت اصحاب یمین می‌پردازد و سه گروه را بعنوان اصحاب یمین معرفی می‌کند:

۱) نخستین گروه بنام اهل فضل و پاداش، برخی از اهل ایمانند که اعمال صالح را به امید بهشت انجام داده‌اند و به بهشت خشنود هستند. برخی از این گروه اهل رحمتند. آنها با حفظ سلامت نفس و صفای قلبشان گرچه از حیث اعمال صالح کمالاتی ندارند اما بر حسب استعداد ذاتیشان به فضل الهی در مراتبی از بهشت جای می‌گیرند و به این ترتیب مشمول رحمت الهی میشوند.

ملاصدرا در میان اصحاب یمین، دو گروه بعدی را که برخی اعمالشان صالح و برخی زشت است اهل عفو مینامد.

۲) کسانی که رأساً و فوراً به دو دلیل مورد بخشش قرار می‌گیرند: یاسینات در وجودشان راسخ نبوده و گناهان اندکی داشته‌اند یا اینکه بعلت ایمان و اعتقاد صحیحی که دارند نسبت به زشتی اعمال خود آگاهند و قوه نظری و فکری خود را در باره عاقبت امور بکار بسته‌اند، از گناهان خود توبه کرده‌اند. بدیهای این گروه بنا بر آیه ۷۰ سوره فرقان به نیکی تبدیل میشود.

۳) اهل عدل و عقاب کسانی هستند که بر حسب آن مقداری که معاصی در وجودشان رسوخ کرده، مدتی عذاب میبینند و با پاک شدن از آلودگیهای ناشی از اعمال خود نجات می‌یابند. این گروه چون اهل انکار و طغیان نبوده‌اند سرانجام مشمول رحمت الهی میشوند.

به این ترتیب، اصحاب یمین در زندگی اخروی در نهایت از لذات بهشتی بهره‌مند میشوند (همان: ۳۵۳ - ۳۵۲).

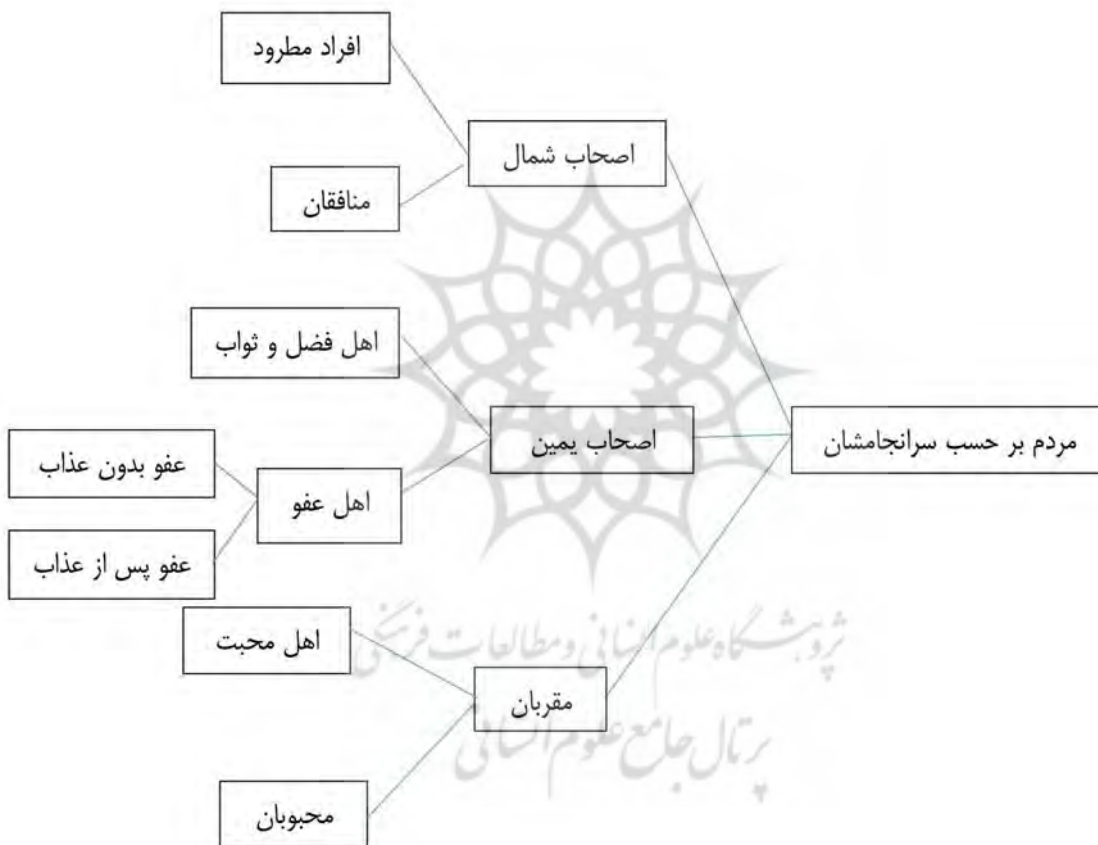
ملاصدرا در ادامه، این جریان رحمت‌آمیز و سنت الهی و قواعد آن را تبیین می‌کند. وی دو امر را مدار و محور شقاوت و عامل هلاکت ابدی میدانند: یکی جهل مرکب و راسخ و دیگری شرارتی که در تضاد با ملکه فضیلت است. بنابراین شقاوتی که بر اثر جهل بسیط و خلیقات سوئی که به حد شرارت نرسیده حاصل میشود، شقاوتی موقت و منقطع است و چه بسا در برخی شرایط به سعادت محدود منتهی شود. ملاصدرا نحوه جبران و اصلاح وضعیت برخی

و شک دور مانده‌اند و عهد الهی را نقض نکرده‌اند. با این حال در میان مقربان، محبوب و محب متفاوتند: محب پیش از وصول برای سلوک در راه خدا و پس از وصول برای سلوک فی الله به هدایت و توفیق الهی نیاز دارد، اما محبوب پس از جذب و وصول برای تکمیل ذات و سلوک فی الله نیازمند هدایت الهی است (همان: ۳۵۳). بر اساس این تحلیل نیز، مقربان از حیث علمی و نزاهت اخلاقی کامل هستند.

گروهها و اصلاح‌ناپذیری برخی دیگر را بتفصیل شرح میدهد^۳ (همان: ۳۵۴ - ۳۵۳).

او پس از شرح وضعیت اصحاب شمال و اصحاب یمین، گروه مقربان را در دو طیف محبان و محبوبان قرار داده است:

۱) محبان (دوستداران) کسانی هستند که در راه خدا مجاهدت میکنند و بسوی او بازمیگردند و پس از آن، خدا آنها را به راههای خود هدایت میکند. از طریق این



نمودار شماره ۲؛ اصناف مردم بر اساس نظریه قرآنی ملاصدرا

۲. مشاهده ملکوت، درک عظمت خدا و استغراق در محبت الهی

ملاصدرا در تفسیر سوره واقعه میگوید اصحاب میمنت کسانی هستند که نامه اعمالشان را با دست راست دریافت میکنند و در مقابل، اصحاب مشئمت آنهایی هستند که این نامه را با دست چپ خود

هدایت، قوه نظری اینها بوسیله نقشگیری معلومات و قوه عملیشان با پاکی از مادیات تکمیل میشود.

۲) محبوبان از عنایت ازلی بهره‌مندند خدا آنها را برگزیده و به صراط راست هدایت میکند. این دو گروه مستعد و آماده هستند و بدلیل صفای قلب و طهارت نفس و حفظ نور فطرت از آلودگی شرک

میگیرند^{۱۳} (همو، ۱۳۸۹: ۸ / ۲۳). او معتقد است هر دو گروه یادشده اهل عمل هستند و قوه عملی بر آنها غالب است. با این تفاوت که در مورد اصحاب یمین، عقل عملی با وساطت ادراکات باطنی و جزئی افعالی را به قصد دستیابی به خیرات و سعادت انجام میدهد ولی در اصحاب شمال، قوه محرکه حیوانی (قوه شوقیه) با وساطت ادراکات حسی و بدلیل شهوت یا غضب فعالیت میکند.

بر خلاف این دو گروه، مرتبه مقربان برتر از آن است که اهل عمل باشند؛ شأنشان مشاهده حقایق و ملاحظه عظمت خدا و ملکوت اوست. مشغولیت به محبت الهی، این افراد را از دوستی دیگران بازداشته است و استغراق در محبت الهی، آنها را نسبت به خوردنیها و آشامیدنیها و نگاه یا توجه به دیگران بینای ساخته است. منزلت اینها همچون جایگاه فرشتگان است (همان: ۲۴-۲۳). بنابراین، ملاصدرا امتیاز مقربان نسبت به اصحاب یمین را در مشاهده عالم ملکوت و محبت الهی میداند.

۳. علم راسخ، سلوک در راه خدا، آزادگی و پرهیزگاری در جای دیگر ملاصدرا در حالیکه نمونه اصحاب یمین یا اهل نجات را متعبدان زاهد معرفی کرده است، مقربان الی الله را چنین توصیف میکند: عالمان راسخ، سالکان بسوی خدا، آزادگانی که از خسائس دنیه مبرا هستند، کسانی که از لذات حیوانی میپرهیزند (همو، ۱۳۸۹: ۷ / ۴۰۹).

او گاهی مقربان را اهل توحید، عالمان به خدا و روز قیامت، آزادگانی که خود به مقصود رسیده‌اند و مقصد سالکان هستند و ابرار را که اهل سلوک و عملند، اهل یمین و برکت خوانده است (همو، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۰۳۰).

۴. عرفان کامل، حکمت و زهد حقیقی

ملاصدرا در أسفار اربعه از کسانی با عنوان عارفان کامل سخن میگوید که قوه عقلی بر آنها غالب است و از طریق علم به براهین عقلی و یقینات از حیث قوه عملی استکمال یافته‌اند. او معتقد است اینها به شرط آنکه به فضل و رحمت الهی به زهد حقیقی و طهارت نفسانی برسند و به غیر خدا هیچ توجهی نداشته باشند، در گروه مقربان قرار میگیرند. تنها این گروه میتوانند به زهد حقیقی و نیت خالص از اغراض نفسانی دست یابند. صدرالمتألهین غرض اصلی پرهیزگاری را پاکسازی قلب از مشغولیتها و توجه کامل به مبدأ و اشتیاق به رضوان الهی میداند. از نظر او علمی که با تصدیق ظنی یا اعتقاد تقلیدی حاصل شده، میتواند مبدأ عمل خیر شود (مانند عوام) اما عمل و سلوک عارفان کامل به مشاهده حضوری و فناء فی الله می انجامد (همو، ۱۳۸۲: ۹ / ۳۲۱-۳۲۰). او در حالیکه تنها زهد و پارسایی حکیمان و عارفان کامل را که به قصد پاکی قلب و کسب رضایت الهی از دنیا پرهیز میکنند، حقیقی میداند، چنین افرادی را بعنوان مقربان معرفی کرده است.

بر اساس این عبارت صریح میتوان گفت از نظر ملاصدرا آن گروه از اهل علم و دانش که به اغراض نفسانی و امور دنیایی مشغولند و نتوانسته‌اند عقاید پاک خود را با طهارت عملی و اخلاقی همراه نمایند، در میان مقربان قرار نمیگیرند.

بررسی و تحلیل

ملاصدرا در آثار خود برای اشاره به ملاک مقربان از تعبیر مختلفی استفاده کرده است. گاهی بر فهم حقایق و عدالت اخلاقی مقربان تأکید دارد و گاهی بر پاکی و طهارت اخلاقی. آنها را گاه بعنوان عارفان کامل

معرفی میکند و گاهی زاهد حقیقی می‌شمارد. در مواردی هم به آزادگی و رهبری آنها اشاره میکند. او بعنوان حکیمی متألّه، بیش و پیش از همه ملاکهای ارزشی، بر ملاک معرفتی تأکید می‌ورزد و سایر ارزشهای عاطفی و کنشی را پس از آن مورد توجه قرار داده است. نظریه صدرالمتألهین درباره بیان ویژگیها و موقعیت مقربان و ارائه ملاک روشنی برای بازشناسایی این گروه از سایر مؤمنان، بنوبه خود ارزشمند و ناب است. با این حال، نظریه او در مواردی تأمل برانگیز و درباره برخی پرسشها و مباحث مبهم و ساکت است. در ادامه به برخی از این مباحث اشاره میشود.

– موقعیت عالمان غیر پرهیزگار

ملاصدرا در شرح عبارات ابهری افرادی را که دارای اعتقادات درست و مستدل و از حیث نظری کاملند، از حیث کمالات عملی و نزاهت اخلاقی دو گونه میدانند. برخی از آنها با وجود اعتقادات درست، گرفتار بعضی از وابستگیهای مادی و لذات حسی هستند. جالب آنکه او در نظریه قرآنی خود و توجه به زیرگروههای مقربان، اصحاب یمین و اصحاب شمال، کسانی را که از نظر علمی کامل و از حیث اخلاقی و نفسانی آلوده هستند، بعنوان گونه‌یی از مقربان یا اصحاب یمین معرفی نکرده است. از سویی نمیتواند آنها را از زمره مقربان بداند، زیرا او در آثارش، مقربان را بعنوان کسانی که از حیث علمی و عملی کامل هستند و با عروج به عوالم برتر به پاکی مطلق رسیده‌اند، معرفی کرده است. از سوی دیگر چنین افرادی بی‌یقین در یکی از سه زیرگروه اصحاب میمنت که به تصریح ملاصدرا اصحاب عملند؛ جای نمیگیرند. پس عالمان بی‌عمل در طبقه‌بندی او دارای چه موقعیت و جایگاهی هستند؟

ملاصدرا در اُسفار اربعه کسانی را که از طریق براهین عقلی و یقینیات به کمالات علمی و نظری رسیده‌اند به شرط آنکه زهد حقیقی و طهارت داشته باشند، در گروه مقربان قرار میدهد (همان: ۳۲۰). بنابراین او نمیتواند عالمان بی‌عمل را جزو مقربان بشمار آورده باشد. شگفت آنکه، ملاصدرا در شرح الهدایه اظهار کرده است افرادی که دارای عقاید درستی هستند اما به لذات و شهوات حسی تمایل دارند، از رسیدن به سعادت محرومند و بهمین دلیل بشدت رنج می‌برند. اما او معتقد است حالت عذاب و درد آنها دائمی نیست و پس از مدتی به لطف الهی بیابان میرسد. این گروه میتوانند پس از برطرف شدن آن احوال، از لذت معارفی که در اختیار دارند بهره‌مند شوند و در صف مقربان قرار گیرند (همو، ۱۳۹۳: ۲/۳۴۶).

ملاصدرا درباره ملاک مقربان ابتدا و بیش از همه بر کمالات علمی و داشتن معارف نظری تأکید کرده است. او به اندازه‌یی بر حیثیت علمی مقربان تکیه دارد که حتی افرادی از اهل علم را که نزاهت اخلاقی ندارند، بنحوی در سلک مقربان جای میدهد. با این حال، او در یکی از آثار تفسیری خود از گروهی بنام عالم نمایان دنیاپرست و گرفتار اغراض نفسانی به بدی یاد میکند و آنها را از درجه اهل علم، اهل الله و رضوان الهی و وادی دینداران به دور میداند (همو، ۱۳۸۹: ۷/۴۱۰). به این ترتیب، مشخص است ملاصدرا در مورد کسانی که از حیث علمی کامل و از جهت عملی ناقصند، مواضع مختلفی داشته است.

– لزوم اعمال صالح و عبادی در مقربان

ملاصدرا در شرح ویژگیهای مقربان، به وجود کمالات علمی و پاکی اخلاقی آنها اصرار بسیاری دارد و بر

بعد عبادی و انجام اوامر الهی و پرهیز از منهیات کمتر تأکید کرده است. او حتی در جایی تصریح میکند مرتبه پیشتر از آن مقرب برتر از آن است که اهل عمل باشند (همو، ۱۳۸۹: ۲۴ - ۲۳). افزون بر این، او در بحث میزان اعمال میگوید کسانی که در یقین و ایمان و توحید به مرتبه بالایی نرسیده‌اند و تنها عمل دارند، حسنات و سیئات آنها بررسی میشود. در این حسابرسی، اگر کارهای نیک فردی از کارهای بدش بیشتر باشد، اهل سعادت است و بر حسب اندوخته‌های اخروی خود بسوی عالم اعلی و دار نعیم می‌رود. در صورتیکه مقدار سیئاتش بیشتر باشد از جمله شقاوت‌مندان است و به میزان سنگینی کفه سیئات بسمت جهنم رهنمون میشود. چنانکه حسنات و سیئات با هم یکسان باشد، خدا در مورد او حکم میکند که آیا او را عذاب کند یا ببخشد. البته خدایی که جواد مطلق است بیشتر با رحمت خود با این گروه رفتار میکند. ملاصدرا معتقد است این سه گروه از حیث اعمال خود از دیگران ممتازند، اما کسانی که در شهود الهی مستغرقند اساساً از هر سه گروه یادشده، برترند. اینها به اعمال نیک یا بد و سبک شدن کفه میزان اعمالشان توجه ندارند و از دنیای موازین و اعمال و انحراف یا اعتدال در موازین بسوی عالم معارف و احوال و مطالعه انوار جمال و جلال الهی آزاد شده‌اند (همو، ۱۳۸۲: ۹/۴۲۲ - ۴۲۱).

ملاحظه چنین عبارتی از ملاصدرا قطع نظر از سایر دیدگاههای او میتواند موجب کژفهمی و سوء تفاهم شود. براساس ظاهر این عبارت، او انجام اعمال صالح و بجای آوردن مناسک دینی و عبادی را بعنوان ملاکی برای مقربان و عارفانی که غرق در شهود ملکوت و مطالعه جمال و جلال الهی هستند، اعلام نکرده است. این اندازه تأکید بر ایمان و شهود شاید

بمعنای کم‌توجهی ملاصدرا به بخشهای عملی و عبادات بنظر آید. با مشاهده سایر دیدگاههایی که ملاصدرا در بحث ایمان و ابعاد عبادی آن مطرح کرده، باید گفت آن عبارت تنها میتواند بمعنای اصالت معرفت الهی و اهمیت کمالات مربوط به قوای نظری از نگاه او باشد. وی در تفسیر آیه ۳ سوره بقره «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»، نیز به لزوم اعمال صالح و وجه عبادی در متن ایمان اشاره کرده است (همو، ۱۳۸۹: ۲/۸۶ - ۸۳).

بر اساس این تحلیل باید گفت منظور ملاصدرا در عبارت یادشده از اسفار، آنست که مقربان و عارفان با آنکه به انجام همه احکام و عبادات اهتمام دارند، به شمارش و احصاء این اعمال نمی‌پردازند و به سنگینی میزان اعمالشان نمی‌اندیشند.

— اوصاف سابقان و متوسطان در سوره فاطر

قرآن کریم بندگان را در سه طیف ظالم، مقتصد و سابق جای میدهد: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ»^{۱۴} (فاطر / ۳۲). ملاصدرا با اشاره به این آیه، سه گروه متفاوت اخیر (سابق) بِالْخَيْرَاتِ، اشرار (ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ) و ابرار (مُقْتَصِدٌ) را معرفی میکند و بر خلاف روش معمول خود، به لطایف آن نمی‌پردازد^{۱۵} (همو، ۱۳۸۹: ۸/۱۷۹). از نظر علامه طباطبایی مراد از «سابق بسوی خیرات» کسی است که از دسته نخست یعنی ظالم به نفس، و از گروه دوم یعنی میانه‌روها به درجات قرب نزدیکتر است و این طایفه به اذن خدا نسبت به آن دو طایفه بدلیل فعل خیرات امامت دارند؛ چنانچه خدای متعال در آیه ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه میفرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۷/۶۴).

– وضعیت جاهلان پرهیزگار و مؤمن

ملاصدرا افرادی را که تنها از حیث عمل کاملند، بعنوان طیف متوسط معرفی میکند. با توجه به مبانی صدرایی در مورد فرایند فعل اختیاری در انسان، چگونه ممکن است کسی بدون هیچ مبنای نظری و اعتقادی به انجام فعلی اقدام نماید؟ اساساً آیا انجام عمل صالح بدون هیچگونه علمی امکانپذیر است؟ صدرالمتألهین با الهام از آیات ۶-۴ سوره تین، ایمان را غایت حکمت نظری و عمل صالح را نهایت حکمت عملی میداند (ملاصدرا، ۱۳۸۳/۱: ۲۱). برخی از اهل تحقیق معتقدند در زبان قرآن و سنت معصوم آنچه درباره استدلال و جهانبینی الهی و تفکر و جزم وارد شده است، ناظر به عقل نظری و آنچه درباره ایمان و اراده و اخلاص و عزم و محبت رسیده، ناظر به عقل عملی است. از این نظر، کمال انسان در پرتو دو قوه عملی و نظری اوست و مردم از حیث کمالات مربوط به این دو نوع قوه یکسان نیستند. «جاهل تبهکار» در هر دو قوه توانا، «عالم متهتک» در عقل نظری قوی و در عقل عملی ضعیف و «جاهل متنسک» در عقل نظری ضعیف و در بُعد عملی قوی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۵۴-۱۵۳). بنظر میرسد جاهلان متنسک را تنها با نوعی مسامحه میتوان بعنوان افرادی که در عمل قوی هستند بشمار آورد؛ چراکه این قوت بینش و آگاهی است که موجب قوت عمل میشود و بر این اساس، هرگز نمیتوان عبادات ظاهری چنین کسانی را کامل و عمیق و موجب رضوان الهی دانست. به بیان دیگر میتوان گفت با وجود آنکه علم و ایمان تلازم وجودی دارند، اما گاهی بدلالی میان آنها جدایی می افتد. از اینرو، میتوان چهار طیف مختلف را در میان مردم مشاهده

کرد: عالم مؤمن؛ عالم کافر یا فاسق؛ مقدس متحجر و جاهل کافر (همو، ۱۳۷۸: ۱۱۶). بر اساس چنین تحلیلی حداکثر میتوان اعمال عبادی و خیرات غیر عالمانه را نوعی تقدس مآبی و تحجر قلمداد کرد.

جمعبندی و نتیجه گیری

خداوند در قرآن کریم انسانها را به سه دسته اصحاب میمنت و اصحاب مشئمت و سابقون تقسیم کرده است. در میان این گروهها، سابقون یا مقربان موقعیتی ویژه دارند و برخی از نعمتهای بهشت و بعضی از درجات بهشت به آنها اختصاص دارد.

صدرالمتألهین در آثار تفسیری و فلسفی خود افزون بر بیان موقعیت مقربان و تأکید بر برتری مقام آنها نسبت به مؤمنان متوسط و اصحاب یمین، شاخصهای دقیقی برای تعیین مصادیق مقربان ارائه کرده است. او بر اساس مبانی نظری خود در حکمت متعالیه و نگاه خاص به انسان، کمال او را مربوط به دو قوه نظری و عملی میداند و البته در این میان تلویحاً و حتی بصراحت، کمالات علمی را بر سایر کمالات ترجیح میدهد. از نظر ملاصدرا کمالات و ویژگیهای مقربان و متوسطان از دو سنخ متفاوت است. او سعی دارد ملاک و شاخص دقیقی برای تعیین مصادیق مقربان ارائه دهد. ملاصدرا در آثار تفسیری و فلسفی خود گاهی حیثیت علمی و نزاهت اخلاقی را ملاک و ویژگی انحصاری مقربان میداند. در مواردی آنها را شاهدان ملکوت و عظمت خدا و غرق در محبت الهی یا عالمانی همراه فضایل اخلاقی یا عارفانی که بمعنای حقیقی زاهد هستند معرفی میکند.

او درباره مقربان بیشتر تمایل دارد بنحو ایجابی و قطعی اعلام نظر کند و به همین دلیل نظریه خاص او در مواردی مبهم و در برخی موارد ساکت است. نظر

فردا صدر

صریح او درباره وضعیت عالمان غیر پرهیزگار، لزوم اعمال صالح و عبادی در مقربان، نسبت سابقان و متوسطان (مطابق آیات سوره فاطر) و وضع جاهلان مقدس که ملاصدرا بتفصیل به آنها نپرداخته، با تأمل در همین نظریه قابل استنباط است.

پی‌نوشتها

۱. «پس (مشرکان) نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند!»
۲. «و هرگاه بندگان من از تو درباره من پرسند [بگو] من نزدیکم».
۳. قرب در برخی از آیات قرآنی بمعنای عام است؛ بعنوان نمونه آیه ۹۹ سوره توبه.
۴. قرآن از چهار مرتبه بهشت با عنوانهای جنت نعیم، جنت مأوی، جنت عدن و فردوس یاد کرده است. برای مطالعه درباره مراتب بهشت و شرایط ورود به آنها ر.ک: کامیاب، ۱۳۸۹: ۸۹ - ۷۸.
۵. «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است!»
۶. متن این کتاب از فیلسوف، ریاضیدان و منجم مشهور، اثیرالدین ابهری (متوفی بین سالهای ۶۶۰ و ۶۶۳ هجری) و از شاگردان برجسته فخر رازی است. بخشی از این کتاب در طبیعیات و بخشی در الهیات است. ملاصدرا هنگام شرح و تفصیل آراء ابهری، یک فیلسوف مشائی به تمام معناست (ر.ک: ملاصدرا، ۱۳۹۳: مقدمه مصحح).
۷. ملاصدرا در اینجا فردی را که در زندگی خود در ارتباط با خود و دیگران از خانواده یا همشهریهای خود حسن تدبیر دارد، دارای حکمت در معیشت میخواند. او بلافاصله توضیح میدهد که این حکمت غیر از حکمت بمعنای فهم حقایق امور است. حکمت بمعنای فهم و درک حقایق، هر چه بیشتر باشد بهتر است، بر خلاف این معنای حکمت که تنها در صورت میانه جربزه و بلاهت معنا پیدا میکند (همو، ۱۳۹۳: ۲/ ۳۳۹).
۸. ملاصدرا حکم عوام را در مورد زنان، دیوانگان و افراد ضعیف‌العقل نیز جاری میداند (همو، ۱۳۷۸: ۵۸).
۹. «أكثر أهل الجنة البلهة»؛ حدیثی است که در بحار الانوار از پیامبر اکرم (ص) روایت شده (مجلسی، ۱۴۰۳:

۱۲۸ / ۵). البته این حدیث میتواند معنای دیگری داشته باشد. برخی از اهل تحقیق، این روایت را از حیث سند آن نزد منابع شیعه و اهل سنت و از جهت دلالت آن مورد بررسی قرار داده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۰۵ - ۷۲).
 ۱۰. «و شما سه گروه خواهید بود! نخست، سعادتمندان و خجستگان (هستند) چه سعادتمندان و خجستگانی! گروه دیگر شقاوت‌مندان و شوماند، چه شقاوت‌مندان و شومانی! و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند!»

۱۱. محمد باقر صدر معتقد است مفسر در رویکرد موضوع محور بر خلاف تفسیر جزئی نگر که تنها به تبیین مدلولات آیات قرآنی بگونه‌ی جزئی و پراکنده بسنده میکند، چشمداشتی گسترده‌تر دارد و تلاش میکند روابط و مناسبات بین اجزاء پراکنده را کشف کند و به یک ساختار نظری قرآنی دست یابد. شهید صدر این ساختار نظری را که مفسر از این رهگذر به آن میرسد نظریه قرآنی مینامد (صدر، ۱۳۹۵: ۵۲ - ۴۴).

۱۲. ملاصدرا در این بحث کاملاً از دیدگاه‌های ابن‌سینا در اشارات متأثر است. در واقع، عبارات بعدی وی تلخیص‌گونه‌ی از آراء خواجه طوسی در شرح عبارات شیخ الرئیس است (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵: ۳/ ۳۵۰ - ۲۵۳).

۱۳. خداوند ابتدای سوره واقعه از دو گروه - با عناوین اصحاب میمنت و اصحاب مشئمت - یاد میکند (آیات ۹ - ۸) و پس از آن از اصحاب یمین (آیات ۲۷ و ۹۱) و اصحاب شمال و مکذبین (آیات ۴۱ و ۹۲) نام میبرد. بر اساس تحلیل علامه طباطبایی مراد از یمین در برابر شمال میتواند همان مبارکی، میمنت و سعادت در مقابل نامبارکی و شومی و شقاوت باشد نه دو دست راست و چپ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۳۸ - ۱۳۴).

۱۴. «از میان آنها عده‌ی بر خود ستم کردند، و عده‌ی میانه‌رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است!»

۱۵. فخر رازی گروه‌های سه‌گانه سوره واقعه و فاطر را متناظر گرفته است (ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۶/ ۲۳۹؛ همو، ۱۳۶۴: ۲۶).

منابع

قرآن مجید، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
 اسماعیلی‌زاده، عباس؛ نساج، مریم (۱۳۹۰) «ابرار و

- سوره انسان با توجه به روایات»، صحیفه مبین، شماره ۵۰، ص ۲۵-۷.
- اندیشه، هاشم؛ نقی پور، ولی الله؛ دانش پژوه، فاطمه (۱۳۹۷) «ویژگیهای سابقون در آیات و روایات از منظر فریقین»، مطالعات قرآنی، شماره ۳۷، ص ۳۶-۲۳.
- ایزدی، محسن (۱۳۹۶) «تأملاتی در آثار ملاصدرا درباره سعادت قصوی با رویکرد قرآنی»، انسان پژوهی دینی، شماره ۳۸، ص ۱۰۴-۸۵.
- بهشتی، احمد (۱۳۷۳) «اسباب و ویژگیهای تقرب»، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۳۴، شماره ۲، ص ۵۴-۴۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) رحیق مختوم، شرح حکمت متعالیه (بخش اول از جلد اول)، تدوین و تنظیم حمید پارسانیا، قم: اسراء.
- (۱۳۷۸) تبیین براهین اثبات خدا، تنظیم و ویرایش حمید پارسانیا، قم: اسراء.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۵) پژوهشهای قرآنی، ترجمه سیدجلال میرآقایی، قم: دار الصدر.
- طباطبایی، کاظم؛ ربانی خواه، احمد (۱۳۸۴) «آیا بیشتر بهشتیان نابخردانند؟ پژوهشی درباره حدیث اکثر اهل الجنة البته»، مطالعات اسلامی، شماره ۷۰، ص ۱۱۴-۷۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۷) تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۳۹۱) انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات صادق لاریجانی، بکوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- علی خانی، اسماعیل (۱۳۸۹) «تحلیل معناشناختی قرب الی الله در قرآن کریم»، قرآن شناخت، سال ۳، شماره ۱، پیاپی ۵، ص ۱۴۴-۱۰۹.
- (۱۳۹۱) «مقربان الهی و جایگاه آنان»، معرفت اخلاقی، سال ۳، شماره ۱۱، ص ۳۶-۱۵.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد (۱۳۶۴) النفس و الروح و شرح قواهما، تحقیق محمد صغیر حسن المعصومی، تهران: بی نا.
- (۱۴۲۰) مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کامیاب، حسین (۱۳۸۹) «بررسی سلسله مراتب بهشت های چهارگانه بر اساس قرآن و روایات»، پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۸، ص ۹۲-۷۵.
- (۱۴۰۳) بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰) التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ملاصدرا (۱۳۷۸) اجوبة المسائل (النصيرية، العويصه، الجيلانية)، تصحيح و تحقيق عبدالله شكيبا، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۲) الحكمة المتعالية في الأسفار الأربعة، ج ۹، تصحيح و تحقيق رضا اکبريان، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۳) الحكمة المتعالية في الأسفار الأربعة، ج ۱، تصحيح و تحقيق غلامرضا اعوانی، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۶) مفاتيح الغيب، تصحيح و تحقيق نجفقلی حبيبي، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۹ الف) اسرار الآيات و انوار البينات، تصحيح محمدعلی جاودان، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۹ ب) تفسير القرآن الكريم، ج ۲، تصحيح و تحقيق محسن بيدارفر، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (ج) تفسير القرآن الكريم، ج ۷، تصحيح و تحقيق سيدصدرالدين طاهري، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (د) تفسير القرآن الكريم، ج ۸، تصحيح و تحقيق محمدهادی معرفت، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۹۱) الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية، تصحيح و تحقيق سيدمصطفى محقق داماد، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۹۳) شرح الهداية الاثريه، تصحيح و تحقيق مقصود محمدی، تهران: بنياد حکمت اسلامی صدرا.
- نصیر الدین طوسی، محمد (۱۳۷۵) شرح الاشارات و التنبیها، شرح الشرح قطب الدین رازی، قم: نشر البلاغه.